



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران
مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها) شهرستان خوی

ویژه جشنواره علامه حلی

عنوان

حکمت بلا در صحیفه سجّادیّه

استاد راهنما

دکتر نجیبه هنرور

پژوهشگر

فاطمه سهرابی دلی

آذر ۱۳۹۶

چکیده

بلایا و امتحانات الهی یک سنت قطعی و عام خداوند است که تأثیر بسزایی در سعادت و شقاوت انسان‌ها دارد. این مسأله در تمام ادیان و مکاتب فلسفی به‌طریقی عنوان گردیده است و هریک براساس جهان‌بینی خاص خود درصدد پاسخ برآمده‌اند. در کلام اسلامی، فلسفه‌ی وجودی بلایا در بحث حکمت الهی، علم الهی، عدل الهی، توحید در خالقیت و توحید ذاتی مطرح شده است و اندیشمندان مسلمان پاسخ‌های مناسب به آن داده‌اند. تحقیق حاضر، به دنبال پاسخ مسأله مذکور، این بار در قالب ادعیه موجود در صحیفه سجّادیه است. صحیفه سجّادیه در عین حال که دربردارنده ظریف‌ترین و دقیق‌ترین راز و نیازها است، موضوعات بسیاری را در زمینه‌های اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، فلسفی، روان‌شناسی، علمی و اقتصادی در بر می‌گیرد. لذا، در این تحقیق سعی بر آن است، پس از تبیین معنا و مفهوم بلا در صحیفه سجّادیه، با روش تحلیلی و تفسیری به واکاوی بلایا و امتحانات الهی و رابطه‌ی آن با علم و حکمت الهی از دیدگاه امام سجّاد علیه‌السلام بپردازد و نشان دهد بین علم و امتحان الهی منافاتی وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: امتحان، بلایا، حکمت، صحیفه سجّادیه، علم الهی.

مقدمه

صحیفه امام سجاد علیه السلام یکی از میراث‌های ارزشمند اندیشه اسلامی است. مجموعه‌ای از دعاها که از حیث سند و مضمون بسیار معتبر است و بعد از قرآن تنها اثری است که به صورت کتاب از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری در دسترس بوده است. در حالی که نهج البلاغه در قرن چهارم به صورت کتاب درآمده است. (سیدجعفر، شهیدی، زندگانی علی بن حسین (ع)، ص ۱۹۰؛ مرتضی، مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۱۹) این صحیفه از ادعیه‌ای تشکیل شده است که در واقع «قرآن صاعد» می‌باشد (روح الله، خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۱) و به سبب موقعیت تاریخی و وضعیت خفقان‌آمیز سیاسی زمان آن حضرت از نظر چند لایه‌ای بودن، منحصر به فرد است. با این همه سؤال این است که امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه، چگونه بین حکمت بلایا و امتحانات الهی با علم خداوند متعال ارتباط برقرار می‌کند؟

قرآن کریم وجود بلاها در زندگی انسان را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند؛ یعنی از آن روزی که انسان دیده به جهان می‌گشاید تا آن روزی که چشم از جهان بر می‌بندد، همواره در رنج و بلا خواهد بود. چنان که در قرآن کریم به این معنا سوگند یاد شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (ما انسان را در رنج آفریدیم). (سوره بلد/ آیه ۴) هم‌چنین قرآن کریم، یکی از فلسفه‌های خلقت انسان را آزمایش و امتحان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم؛ ابدین جهت [او را شنوا و بینا قرار دادیم). (انسان/ ۲) بنابراین، همه‌ی اموری که انسان به نحوی در زندگی خود با آنها سر و کار دارد، وسیله‌ی امتحان است؛ به عبارت دیگر، ابتلاء از سنت‌های الهی بوده که غیرقابل تغییر است. این امتحانات مواردی مانند فقر، بیماری، مرگ، ثروت و... است که همه‌ی انسان‌ها را شامل می‌شود.

از سوی دیگر، این حقیقت است که تمام افعال خداوند، حکیمانه و دارای اهدافی معقول است که البته این اهداف به مخلوقات بازمی‌گردند.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که «اگر خداوند نسبت به بندگان خیرخواه مطلق است و افعال او بر اساس غایات معقول انجام می‌گیرد و هم‌چنین، فعل او بر وجه احسن و اکمل، مطابق مصالح کلّ نظام هستی و درنهایت استحکام است؛ پس ابتلاهای الهی که با مشکلات همراه است، چه اهدافی را دنبال می‌کند؟» (جعفر، سبحانی، الاهیات، ج ۱، ص ۱۷۵ و مرتضی، مطهری، عدل الهی، ص ۶۳) هم‌چنین، «اگر خداوند، عالم به حقایق هستی و انسان‌ها است، پس امتحان الهی چه معنا دارد؟ مگر خداوند از درون و نیّات انسان‌ها آگاه نیست تا به وسیله‌ی امتحان بخواهد عملکرد افراد بشر را ارزیابی کند و مؤمن را از عاصی تمیز دهد.» (جعفر، سبحانی، الاهیات، ج ۱، ص ۲۶۱ و مرتضی، مطهری، عدل الهی، ص ۱۲۴)

آن‌چه در این نوشتار عرضه شده است، بعد از مفهوم‌شناسی مسأله‌ی تحقیق، بررسی فلسفه‌ی وجودی بلایا و امتحان الهی و رابطه آن با علم و حکمت الهی از منظر امام چهارم علیه‌السلام می‌باشد؛ که با کاوش و دقت در فرازهای صحیفه سجّادیه مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی

بلا در لغت

بلا از ریشه‌ی «بَلَوَ و بَلَى» در اصل به معنای کهنگی و فرسودگی است و به آزمایش کردن نیز بلا گفته شده است؛ زیرا هر چیزی با آزمایش‌های متعدّد، حالت کهنگی به خود می‌گیرد. به غم و اندوه نیز بلا می‌گویند؛ چرا که جسم و روان انسان را فرسوده می‌کند. تکالیف و مسئولیت‌ها هم بلا نام دارد؛ زیرا آنها نیز بر جسم و جان انسان سنگینی دارند. (علی‌اکبر، قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۲۹)

صاحب مجمع البحرین، ذیل ماده‌ی «ب ل و» می‌گوید: «بَلَاءٌ يَبْلُوهُ إِذَا اخْتَبَرَهُ، الْإِسْمُ، الْبَلَاءُ أَصْلُهُ الْمِحْنَةُ، الْبَلَاءُ يَكُونُ حَسَنًا وَ سَيِّئًا وَاللَّهُ الْعَبْدُ بِمَا يُجَبُّهُ لِيَمْتَحِنَ شُكْرُهُ وَ بِمَا يُكْرَهُهُ لِيَمْتَحِنَ صَبْرُهُ» (بلا به معنای امتحان کردن است و اصل آن از محنت به معنای سختی و آزمایش است. آزمون خدای تعالی از بندگان گاهی با نعمت‌ها، آسایش، مال و سلامتی است تا سپاس‌گزارند و شکر کنند و گاهی با ضررها، زیان‌ها و امراض است تا پایداری و صبر پیشه کنند و اجر ببرند.) (فخرالدین، طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، صص ۶۰-۶۱)

راغب در مفردات «بلا» را به کهنه شدن معنا کرده است: «بَلَى الثَّوبَ، بَلَى وَ بَلَاءٌ؛ أَيْ خَلَقَ: يَعْنِي أَنَّ جَامَهُ وَ لِبَاسَ كَهْنَةٍ شَدَّ. بَلَاءٌ سَفَرٌ: مَسَافَرَةٌ أَوْ رَاخِصَةٌ وَ فَرَسُودَةٌ كَرْد. بَلَوْتُهُ: أَوْ رَاخِصْتُهُ؟ إِبْتَلَيْتُ فُلَانًا إِخْتَبَرْتُهُ: أَوْ رَاخِصْتُهُ وَ بَاخِصْتُهُ: أَوْ أَعَايَشْتُهُ بِأَوَّاهٍ يَأْتِمُ. وَ إِذَا قِيلَ ابْتَلَى فُلَانٌ كَذَا: يَعْنِي شَيْئًا أَوْ رَاخِصَةً كَرْد. أَيْنَ مَطْلَبُ دَوَّامِرٍ رَاخِصَةً كَرْد: ۱- آزمون به قصد علم پیدا کردن به چیزی که امر آن پنهان است. ۲- به قصد ظهور و آشکار شدن خوبی‌ها و بدی‌های یک شیء است. در مورد خداوند قسمت دوم درست می‌باشد. تکالیف الهی نیز از جهاتی به بلا

مملوک خداییم و یقیناً به سوی او باز می‌گردیم.) (سوره بقره/ آیه ۱۵۶) این جمله که به کلمه استرجاع معروف است، تکیه بر ذات پاک او در همه چیز و در هر زمان است.

۳- استمداد از نیروی ایمان، الطاف و امداد الهی در بروز حوادث دشوار که انسان را از پای درمی‌آورد؛ زیرا هر انسان معمولی در مشکلات گرفتار اضطراب، ترس و سردرگمی می‌شود؛ اما اگر انسان برنامه مشخصی داشته باشد با آرامش به راه خود ادامه می‌دهد.

۴- توجه به تاریخ گذشتگان و بررسی موقعیت آنان در برابر امتحانات الهی، جهت آماده‌سازی روحی و روانی در برابر بلا و امتحان الهی مؤثر است. چون گاهی انسان در تنهایی احساس ناامیدی و شکست می‌کند و از نیروی مقاومت او کم می‌شود. به همین دلیل خداوند در قرآن بارها برای دلداری به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تقویت روحیه ایشان و مؤمنان، به گذشته دردناک پیامبران اشاره می‌کند که: «اگر تو را مسخره کنند نگران مباش، پیامبران پیشین نیز گرفتار اهانت جاهلان بودند. اما با نیروی استقامت بر آنها پیروز شدند.» (حسین، انصاریان، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، ج ۸، ص ۱۰۲)

۵- توجه به این حقیقت که همه بلاها در پیشگاه خداوند رخ می‌دهد و او از همه چیز آگاه است. خداوند به حضرت نوح علیه‌السلام که زیر شدیدترین فشارهای روحی از سوی قومش بود؛ در حال ساختن کشتی فرمود: «...اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا...» (...کشتی را در برابر نگاه ما بساز...) (سوره مؤمنون/ آیه ۲۷ و سوره هود/ آیه ۳۷) این جمله چنان قوت قلبی به حضرت نوح علیه‌السلام بخشید که هیچ فشاری برای او اهمیت نداشت.

نتیجه‌گیری

بررسی دعا‌های صحیفه سجّادیه نشان داد که با توجّه به حکیمانه بودن امتحانات الهی و غایت‌مداری آنها منافاتی بین علم الهی و امتحانات الهی وجود ندارد. از مجموعه مطالب معلوم گردید که صفات درونی انسان به تنهایی نمی‌تواند معیار ثواب یا عِقاب باشد، مگر زمانی که در اعمال انسان آشکار گردد. خداوند از نازل کردن بلا و امتحان بنده درصدد است تا استعدادها را از قوّه به فعلیت برساند تا مستحقّ پاداش و کیفر شوند. اگر امتحان الهی نبود استعدادها شکوفا نمی‌شد و اعمال انسان خودنمایی نمی‌کرد. افزون بر این، ایجاد حالت تذکّر و تنبه برای بندگان، پاک کردن انسان‌ها از دلبستگی‌های دنیوی، دوری از کبر و کفاره گناهان، حکمت‌های دیگر بلا در صحیفه سجّادیه است. امام سجّاد علیه‌السلام قدرت، قوت و صبر در برابر مشکلات را از خداوند درخواست می‌کنند، چون سربلند بیرون آمدن از امتحانات الهی، مساوی با صبر و بردباری فراوان است، از این رو فرمودند: «خدایا! آن‌چنان قدرتی به من بده که در برابر تمام ناملایمات صبر و تحمل داشته باشم» که اشاره به رمز اصلی سربلند بیرون آمدن از امتحانات الهی دارد که همان صبر و استقامت در برابر سختی‌ها است که مورد بشارت خداوند است.

یکی دیگر از عوامل پیروزی و غلبه بر مشکلات و سختی‌ها و سربلند بیرون آمدن از امتحانات خداوند، توجه داشتن به گذرا بودن این جهان است. رمز دیگر پیروزی بر مشکلات، خود را در محضر خدا دیدن یعنی به یقینی بررسی که در همه جا و همه حالات، چه در نعمت و چه در نقمت به جز خدا نبینی، اگر این شد، دیگر مشکلی باقی نمی‌ماند.

از دیدگاه امام سجّاد علیه السلام، ارتباط و پیوند قلبی پیوسته با خداوند و دوستی با حق و یاد او، اطمینان دل و آرامش نفس می آورد و تمامی اضطرابها و نگرانیها را از وجود انسان برمی دارد. همچنین، حضرت اشاره دارند به این که، ایمان بالاتر از اسلام است. یقین و باور درجه ای از تقواست. در بین بندگان خدا کمترین چیزی که تقسیم شده یقین است. هرچه نور یقین در دل انسان افزایش یابد، افق دید و شهود او کامل تر و از سلامت بیشتری بهره مند می گردد. نکته ی دیگری به دست آمده، توکل بر تقدیرات و الطاف الهی است. یقین به آنچه پرودگار قسمت انسان می کند؛ روحیه اطمینان و آرامش به انسان می دهد و اندوه های ساختگی را از بین می برد. خرسندی به قضا و قدر خداوند برکات بسیاری دارد از جمله آنها، آرامش و نشاط همیشگی، افزایش توان مقاومت در برابر سختی ها است.

روشن است که شناخت واقعی مسیر الهی و دسترسی پیدا کردن به هدایت حقیقی خداوند برای احدی میسر نخواهد شد؛ مگر به تدبیر و اندیشه کردن، چون با تدبیر است که چشم دل و خرد انسان شکوفا می شود و با شکوفا شدن چشم دل، انسان دارای بصیرت و درک عقلی گردیده و اینجاست که می تواند طریق حق را به تمام و کمال بشناسد و با بصیرت، طی طریق نماید و سفارش اسلام هم همین می باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، قم، فاطمه‌الزهراء، ۱۳۸۰.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نسیم حیات، ۱۳۷۹.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، بی‌تا.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات، تهران، شمس‌الضحی، ۱۳۸۸.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱.
۶. اردکانی یزدی، قاضی بن محمد، تحفه رضویه، تهران، نورالسجاد، ۱۳۸۸.
۷. انصاریان، حسین، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۸.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۰. خمینی [امام]، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالشامیه، بی‌تا.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر، الاهیات، قم، مؤسسه‌ی امام صادق (علیه‌السلام)، بی‌تا.
۱۳. سجاد، احمد و دیگران، فرهنگ‌نامه موضوعی صحیفه سجادیه، قم، مؤسسه مطالعاتی فرهنگی الزهراء (س)، ۱۳۸۵.
۱۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، بی‌تا.
۱۵. شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن حسین (ع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مفردات القرآن فی مجمع‌البیان، تهران، بنیاد، بی‌تا.

۱۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۷۵.
۱۸. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، بی تا.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.
۲۲. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.